

# مطالعه‌ی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری

## هویت منسجم ایرانی

### (مطالعه‌ی موردی جوانان شهرستان بوکان)

غفور شیخی<sup>۱</sup>

عادل عبدالهی<sup>۲</sup>

#### چکیده:

جامعه‌ی در حال گذار کنونی ایران، با ساختار جمعیتی جوان، به ویژه بعد از شکل‌گیری و گسترش مدرنیته و تعارض آن با سنت و همچنین سیطره‌ی پرحجم، سریع و متنوع رسانه‌های جمعی، دچار تعارض ارزشی - چه در سطح خرد شخصیت فردی و چه در سطح کلان نهادی - گشته و تبدیل به جامعه‌ی چهل تکه‌ی آنومیکی (Anomie) شده است که هم شکل و رنگی (Conformance)، سازگاری و سازش (Adaptation)، از خود بیگانگی (Alienation)، آشفتگی هویتی (Identity Cofusion) و بحران هویت (Identity Crisis)، عواقب ناشی از آن است که موجب می‌شوند جامعه به صورت تلوتلوخوران با واکنش‌های افراط و تفریطی راه خود را به صورت آزمایش و خطاها به سوی آینده‌ای مه‌آلود ببیماید. هویت یکی از مسائل مهم جهان معاصر است که با گسترش روزافزون جهانی شدن و پشتوانه‌ی قدرت رسانه‌های جمعی روز به روز در فرآیند دگرگونی و بازتعریفی قرار دارد. در برخی جوامع هویت، بالنده و منسجم می‌شود و در برخی جوامع به عنوان مسأله، ایجاد بحران و تنش‌های عمیق و شکاف‌های اساسی می‌کند. لذا موضوع این پژوهش نیز در همین راستا و با عنوان بررسی و مطالعه‌ی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری هویت منسجم ایرانی؛ مطالعه‌ی موردی جوانان شهرستان بوکان در سال ۱۳۸۸ ه.ش. می‌باشد و برای بررسی ابعاد مختلف موضوع، ضمن اشاره به ابعاد و مؤلفه‌های هویت ایرانی به بررسی عوامل داخلی و خارجی مؤثر در شکل‌گیری بحران هویت در بین جوانان ایرانی و عدم شکل‌گیری یک هویت ملی که همسو با منافع ملی و در عین حال قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در ایران می‌باشد، پرداخته است.

کلید واژه: جوان ایرانی، هویت ملی، فرهنگ قومی، هویت منسجم، مدیریت بحران.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

<http://searches.blogfa.com> و [Zhanezhin2004@yahoo.com](mailto:Zhanezhin2004@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

[awinar1980@yahoo.com](mailto:awinar1980@yahoo.com)

### مقدمه

جوانی را بدون بررسی دوران نوجوانی و کودکی نمی‌توان درست و همه جانبه درک کرد. به عبارت دیگر شناخت یک جوان، بدون بررسی مراحل قبلی رشد و نمو وی صحیح نمی‌باشد. از این رو لازم است به اوایل رشد و مراحل قبل از جوانی اشاره‌ای مختصر داشته باشیم. از شگفتی‌های دنیای کودکان، شکل‌گیری بنیان‌های اولیه‌ی زندگی انسانی از جمله محبت، کنجکاوی، ایمان و باورهای مذهبی آنهاست. «کودک از مذهب آن چیزی را می‌پذیرد که متناسب با خواسته‌های او و مبتنی بر مشاهدات، تجارب و یافته‌های شخصی اوست. به تدریج که رشد کودک بیشتر شده و آگاهی‌های او افزایش می‌یابد، دامنه ارتباط او با مذهب بیشتر شده و موجبات پیدایش حالاتی را در او فراهم می‌آورد که می‌توان نام آن را «حالات مذهبی» نامید. (قائمی، ۱۳۷۶، ۴۶)

بهتر است احساس عزت را در کودک گسترش داد و او را از احساس ذلت محافظت نمود. «کودک را به نامی نیکو نامگذاری کنید و هنگامی که به مجلس شما می‌آید، برای او جا باز کنید و به او روی ترش نکنید.» (حجتی، ۱۳۸۴، ۱۸۶ و ۱۲۴)

نخستین آگاهی او درباره اطاعت، بخشندگی و راستی، با طرز عمل خانواده بستگی دارد و همه این مسایل بایستی در نخستین سال‌های کودکی انجام پذیرد زیرا در این سال‌هاست که ذهن طفل بهتر از مواقع دیگر برای ضبط آنچه درک می‌کند، آمادگی دارد.» (فلسفی، ۱۳۸۳، ۱۵۸)

بنابراین از همان کودکی باید دانه‌ی افتخار به هویت و تعلقات خویش و سعی در شناخت جوانب شخصیتی و فکری را در درونش کاشت و تقویت کرد.

«دوره نوجوانی نیز از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره‌های زندگی انسان به شمار می‌رود. زیرا در این دوره نوجوان به دنبال یافتن هویت خویش، در مسیر شکل دادن به شخصیتی متکی به خود گام برمی‌دارد. سؤالات متعددی نیز در ذهن نوجوان نقش می‌بندد که چنانچه نتواند پاسخی مناسب برای آن‌ها بیابد، چه بسا ممکن است شخصیتی متزلزل و احیاناً دوگانه پیدا کند. بنابراین، شناخت جنبه‌های مهم جسمانی، روانی، اجتماعی، عقلانی و اخلاقی نوجوانان، این توانایی را به نوجوان و اطرافیان او می‌دهد تا شیوه صحیح برخورد با تغییرات جسمی و روانی به وجود آمده را بدانند و تا حدی از بروز ناسازگاری‌های خاص این دوران جلوگیری نمایند.»

(محمدی، ۱۳۸۷، ۴۵)

استانلی هال<sup>۱</sup> که به پدر روان‌شناسی بلوغ معروف است، این مرحله را «دوران طوفان و فشار» می‌نامد. نوجوان در این دوره، تمایلات و خواهش‌های متضادی دارد. (احمدی، ۱۳۶۹، ۱۷) اصطلاح «نوجوانی»<sup>۲</sup> در مقایسه با کلمه‌ی «بلوغ» معنای وسیع‌تری دارد و دوران مهمی از زندگی انسان را شامل می‌شود. سنین بین ۱۲ - ۱۸ سالگی، که سنین نوجوانی است، خود به سه مرحله تقسیم می‌شود:

(الف) مرحله پیش از بلوغ: ورود تدریجی کودک به مرحله بلوغ.

(ب) مرحله بلوغ: ظهور معیارهای بلوغ جنسی مثل عادات ماهیانه و احتلام.

(ج) مرحله پس از بلوغ: رشد صفات ثانویه جنسی

کورت لوین آلمانی هم اعتقاد دارد که کودک و بزرگسال، هر کدام یک نوبت، بار کودکی و بزرگسالی را بر دوش می‌کشند، ولی نوجوان مجبور است یکجا بار هر دو را بر دوش بکشد. زیرا متعلق به هر دو می‌باشد. (بی‌نام، ۱۳۷۸، ۱۴۲)

جوانان با ویژگی‌های خاص خود چون قدرت و توان بدنی، فعال و پرتحرک بودن، مقطع سنی مناسب، زمینه و امکان برعهده گرفتن مسئولیت‌های بزرگ و... جایگاه ویژه‌ای در هر جامعه دارند. دوره‌ی جوانی بهترین و با نشاط‌ترین دوره زندگی است. فرصت جوانی فرصتی استثنائی و زمینه‌ای مناسب برای برداشتن گام‌های بلند و حرکت به سوی کمال مطلوب است.

رسول گرامی اسلام در وصیت به ابوذر فرموده است: «پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار، جوانیت را قبل از پیری؛ تندرستی‌ات را قبل از ناخوشی و...» (میزان الحکمه، ۵، ۵۴۰)

علی(ع) فرموده است: «دو چیز است که ارزش و قیمت آنها را نمی‌داند مگر کسی که آنها را از دست داده باشد. یکی جوانی و دیگری تندرستی.» (آمدی، ۲، ۳۴۰) و «در قیامت هیچ بنده‌ای قدم بر نمی‌دارد مگر این‌که از او سؤال می‌شود عمرش را در چه کاری فنا کرده و جوانیش را در چه راهی صرف نموده است.» (شانه‌چی، ۱، ۳۵۵)

1. Hall, Stanly

2. Adolescence

### ۱- بیان مسأله و اهمیت موضوع

زندگی اجتماعی بدون هویت و شناسه غیرممکن و بی‌معنی است چرا که اگر جوانی دارای هویت فردی معین به خود نباشد که با آن شناخته شود و دیگران را بشناسد و خود را بشناساند، هرگز نخواهد توانست ارتباط و تعاملی صحیح و معنی‌دار با پیرامون خود برقرار کند و بدون وجود چهارچوبی برای مشخص ساختن هویت اجتماعی و هویت‌های فردی، این جوان همان خواهد بود که دیگری هست و هیچ یک از جوانان قادر نخواهند بود که نسبت معناداری بین خود و غیرخود یا دیگری برقرار کند. در واقع، بدون هویت، جامعه‌ای در کار نیست و از طرف دیگر در صورت عدم وجود شباهت و وجوه اشتراک در میان افراد یک مجموعه و گروه یا جامعه اتحاد آنان و حفظ یکپارچگی‌شان سخت‌تر بوده و امکان فروپاشی جامعه بالا خواهد بود و از این روست که امروزه در جامعه بحران زده‌ی ایران نخبگان سیاسی و فکری کشور از ایجاد بحران هویت در کشور به‌ویژه میان جوانان، ابراز نگرانی کرده و در پی ارائه راهکارهایی جهت حل این مشکل می‌باشند. مسائلی از قبیل از خود بیگانگی، مدگرایی، ارزش‌گریزی، هنجار شکنی‌های افراطی، جامعه ستیزی، قانون‌گریزی، سستی بنیان‌های خانوادگی، گسترش فساد و بی‌بندوباری در کشور، از جهاتی به مسأله ابعاد و مؤلفه‌های هویت در ایران و عدم درمان این معضل در کشور نیز باز می‌گردد. (سواران، ۱۳۸۸)

تبعات مشکلات هویتی جوانان ایرانی خطرناک‌اند، از جمله؛ گسست نسل‌ها، رشد ناهنجاری‌های اجتماعی و عمومیت یافتن این ناهنجاری‌ها، تخریب ارزش‌ها و اصول اخلاقی، عدم پایداری به نهادهای اجتماعی و قوانین عرفی و مدنی، از بین رفتن معنی در زندگی و گسترش پوچی و سرگشتگی، رشد فساد و بی‌بندوباری و... معضلاتی هستند که تا حدود زیادی معلول بحران هویت در جوامع می‌باشند. جوانی که خود و محیط پیرامونش را به شکل صحیح درک نمی‌کند و احساس تعلق به فرهنگ و تمدن خود ندارد، از یک طرف دچار پوچی و سردرگمی است و از طرف دیگر به دلیل همین عدم تعلق، هیچ تعهدی نسبت به قوانین، ارزش‌ها و هنجارهای خانواده و جامعه ندارد، موجودی است پا در هوا و از خود بیگانه که از یک طرف دچار تعارضات شدید شخصیتی و عدم شناخت و معرفت درونی نسبت به

خود است و از طرف دیگر به علت عدم احساس تعلق به جامعه و حس بیگانگی نسبت به آن، اصول و قوانین و ارزش‌های جامعه برایش بی‌معنی است، بدیهی است که اینچنین جوانی بسیار مستعد بزهکاری و انحراف است. وضعیت نامطلوبی که در نسل جوان ایران به شکل بسیار گسترده شاهد آنیم. شواهد تجربی و قرائن تئوریک، به حدی آشکاراند که هیچ کسی نمی‌تواند وجود بحران هویت در ایران را نفی کند.

## ۲- تعریف مفاهیم

### ۲-۱- هویت

کراجر<sup>۱</sup> هویت را «توازن میان خود و دیگران برقرار کردن» می‌داند. (یوسفی، ۱۳۸۳، ۸۰) برخی دیگر آن را معادل شخصیت و اصلیت آورده‌اند. (شرفی، ۱۳۸۰، ۸۱) همچنین ساروخانی و رفعت جاه معتقدند که «هویت‌یابی دوسویه و دیالکتیکی است، هم نهادها و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و هم افراد با پذیرش و درونی کردن نقش‌ها و... در ساختن هویت نقش دارند.» (ساروخانی و رفعت جاه، دوره پنجم مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۵، ۲) کاستلز نیز آن را «فرآیند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ای به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی می‌داند که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود.» (کاستلز، ۲، ۱۳۸۰، ۲۲)

فرهنگ جامعه‌شناسی بلک ول نیز معتقد است که هویت «پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با افراد و گروه‌های دیگر است که از طریق تعاملات اجتماعی فرد با دیگران در فرآیند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد.» (Johnson: 1997) هویت ماهیتی رابطه‌ای دارد بدین معنا که:

- هر کنشگر جمعی ممکن است چندین هویت داشته باشد.
- هویت از نقش و مجموعه‌ی نقش‌ها متمایز است.
- هویت در مقایسه با نقش منبع معنایی نیرومندتری دارد.
- هویت، سازمان دهنده معنا و نقش و سازمان دهنده کارکردها و هسته نظام اجتماعی است.

- برای برساختن هویت‌ها از مصالحی مثل تاریخ، جغرافی، زیست‌شناسی، نهادهای تولید و بازتولید، خاطره جمعی، رویاهای شخصی، دستگاه و جهاز قدرت، وحی دینی استفاده می‌شود.

- هویت ریشه در شناخت و دانستن<sup>۱</sup> دارد: زیرا شناختن به معنای:

۱- قادر بودن به تعیین هویت (مانند: من می‌دانم که آنها عضو پارلمان هستند).

۲- قادر بودن به توصیف کردن و توضیح دادن (مانند: من می‌دانم چرا دولت‌های ایتالیا ناپایدارند).

۳- داشتن تجربه‌ای همانند (من می‌دانم بچه‌دار شدن یعنی چه، چون مادرم) (برایان فی:

۱۳۸۴، ۲۷)

ولی ساده‌ترین تعریفی که قابل ارائه است، چنین است: «هویت وجه تمایز من با غیر من است» به عبارتی هویت آن چیزی است که مرا از دیگران باز می‌شناساند و به من در زندگی اجتماعی ام معنی و مفهوم می‌بخشد.

## ۲-۲- بحران هویت<sup>۲</sup>

«عدم توانایی نوجوان در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد» (یوسفی، ۱۳۸۳، ۸۰) و همچنین «عدم موفقیت جوان در شکل دادن به هویت فردی خود، اعم از این که به علت تجارب نامطلوب کودکی یا شرایط نامساعد فعلی باشد.» (همان، ۸۰)

اکنون چهار مرحله‌ی ساده‌ی شکل‌گیری یک بحران هویتی را مرور می‌کنیم:

۱- مبدأ هویت اجتماعی افراد از طریق تعلق به گروه‌های یک جامعه و ارزش‌های اجتماعی آن گروه‌هاست.

۲- چنانچه گروه‌های اجتماعی در یک جامعه ارزش‌هایی متجانس و همخوان یا نزدیک به هم داشته باشند، فردی با شخصیت و هویت منسجم خواهیم داشت.

۳- اما چنانچه ارزش‌های گروه‌های اجتماعی عضویت فرد، با یکدیگر متعارض و متباین

---

1. Know

2. Identity Crisis

باشند، تبعاً فرد نیز دچار تعارض نقشی و پایگاهی شده و از روان پریشی، بی‌هویتی و شخصیت چندگانه رنج خواهد برد.

۴- چنین وضعیتی را طی یک دوره تاریخی مشخص، در جامعه که اکثر افراد آن دچار روان پریشی، بی‌هویتی و یا چندگانگی شخصیت باشند، مسأله‌ی اجتماعی با عنوان بحران هویت یا تعارض نظام ارزش‌ها نام دارد. (معیدفر، ۱۳۸۵، ۹۰-۹۱)

#### همانند سازی، هویت پذیری، هویت یابی، یکسان شدن<sup>۱</sup>

این مفاهیم را که نظریه‌پردازان روان‌کاوی به‌کار می‌برند، مشتمل بر فرآیندی است که به وسیله‌ی آن ویژگی‌های دیگران - عقاید، ارزش‌ها، اطوار، مقام و قدرت آنها - درونی می‌شود. (روزنهان و سلیگمن، ۱۳۸۵، ۵۴۵)

این همان تمایل به تقلید و یا فرآیند تقلید رفتار یک سوژه است که ممکن است به فرآیند یکی شدن با همان موضوع نیز منجر شود. این اصطلاح، نخستین‌بار توسط فروید (۱۸۹۹) معرفی گردید و می‌نویسد: «همانندسازی، فقط تقلید ساده نیست بلکه نوعی همانندسازی بر پایه‌ی یک تظاهر سبب شناختی (اتیولوژیک) مشابه است. هرگاه شخص یک نقش اجتماعی را فقط نهادی نکند بلکه تلاش کند تا مهارت‌های لازم را حفظ کرده و خود را با هنجارهای آن نقش هم‌رنگ سازد... فرد نظم مربوط به نقش گروهی را (درخود) نهادی کند و خویشتن را عضوی از آن گروه به شمار آورد.» (گولد و کولب، ۱۳۸۶، ۹۳۰)

#### ۲-۳- سردرگمی یا آشفتگی هویت<sup>۲</sup>

«فرد در خلال مرحله شکل‌گیری هویت، احتمال دارد شدیدتر از هر زمان دیگر چه در گذشته و چه در آینده از نوعی سردرگمی و آشفتگی نقش‌ها، همان چیزی که اریکسون «آشفتگی هویت» می‌نامد، رنج ببرد. این حالت سبب می‌شود که احساس کند منزوی، تهی، مضطرب و مردد شده، یا احساس کند باید تصمیم‌های مهمی بگیرد، لیکن قادر به انجام دادن

---

1. Identification

2. Identity Confusion

این کار نیست. احساس می‌کند که جامعه به او فشار می‌آورد تا تصمیمی اتخاذ کند اما او مقاومت می‌کند. (یوسفی، ۱۳۸۳، ۸۱) «حالت تجزیه‌ای که طی آن فرد در این باره که او کیست؟ سردرگم یا مردد است.» (روزنهان و سلیگمن، ۱۳۸۵، ۵۴۵)

## ۲-۴- ملت و ملیت

واژه ملت ترجمه‌ای است از واژه Nation که در زبانهای اروپایی از ریشه لاتین Natio و Nascere به معنی زایش و تولد می‌آید. معنای ابتدایی این واژه به مفهوم گروهی انسانی بوده است که دارای یک منشا مشترک بوده یا چنین منشایی به آنها منسوب شده باشد. از این رو Nation در معنی آغازین خود به واژگانی چون نژاد و مردم نزدیک بوده است. (برتون، ۱۳۸۰، ۲۴۳) این واژه‌ها تا قرن ۱۷ میلادی در خود بار معنایی منفی و نزدیک به کافران و مردمان غیر مسیحی را حمل می‌کرد. اما در قرن ۱۹ ارنست رنان تعریف مفصلی از ملت ارائه داد:

«ملت یک روح است، یک اصل معنوی، دو چیز که در واقعیت یک چیز بیش نیستند، این روح و این اصل معنوی را می‌سازند از یک سو میراثی غنی و مشترک از خاطرات و ازسوی دیگر وفاق کنونی، تمایل به زندگی مشترک، به ارزشمند ساختن میراث دست ناخورده و بازمانده از پیشینیان. بنابراین ملت نوعی همبستگی عظیم است که خود ناشی از احساس فداکاری‌هایی است که در گذشته به انجام رسیده‌اند و فداکاری‌هایی که باز هم آمادگی انجامشان در آینده وجود دارد. بنابراین ملت وجود یک گذشته را ایجاب می‌کند. با این حال زمان حال است که مفهوم ملت تبلور می‌یابد. زیرا بیش از هر چیز در وفاق و تمایلی رخ می‌نماید که برای ادامه زندگی مشترک دیده می‌شود.» (همان، ۲۴۳)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم ملیت صرفاً مفهوم سیاسی نیست بلکه موضوعی فرهنگی نیز هست. چرا که باتوجه به ملاک‌های فرهنگی به معنای عام آن در کنار ملاک‌های

۱. عوامل ذهنی و عینی مؤثر در پیدایش ملت و ملیت عبارتند از نژاد و خویشاوندی، اشتراک دین و مذهب، اشتراک زبان، بستگی‌های جغرافیایی، بستگی‌های مشترک اقتصادی، تاریخ یا سنت‌های مشترک و اراده‌ی عمومی برای زیست جمعی بدون تهدید.



سیاسی چون مشروعیت و غیره تعریف می‌شود و هویت<sup>۱</sup> و ملیت<sup>۲</sup> قومی می‌تواند همپوشان و مکمل هم باشند.

آلفرد زیمرن<sup>۳</sup> ملیت را چنین تعریف می‌کند: «شکلی از احساسات مشترک برآمده از شور و شوق، صمیمیت و شکوه خاصی مربوط به میهن» در نظر او ملیت: ذهنی، روانشناختی و دارای جنبه‌ی معنوی و یک نوع احساس است.

بارنس<sup>۴</sup> ملیت را عبارت می‌داند از: «نامی عام که به جمع درهم تنیده‌ی عوامل روانشناختی و فرهنگی که اصل همبسته‌ی وحدت بخش یک ملت را شکوفا کند داده شده است» همچنین به عقیده‌ی اوپنهایمر<sup>۵</sup>: «آگاهی از ملیت، ملت را به وجود می‌آورد» از نظر جیمز بریس نیز: «ملیت در اشاره به مردم بکار می‌رود که هنوز استقلال نیافته‌اند» در نظر وی یک ملت، ملیتی است که خود را در یک مجموعه‌ی سیاسی مستقل، یا آرزومند استقلال، سازمان داده است. درکل، زیمرن، بارنس و اپنهایمر، ملیت را چیزی دارای ماهیت باطنی و روانشناختی می‌دانند. اکثر متفکران می‌پذیرند ملت پدیده‌ای تاریخی، جامعه‌شناختی و قومی است از گروه‌های نژادی و خویشاوندی، زبانی و نیز عوامل گوناگون که در دنیای معاصر پدیدار شده است.

## ۲-۵- هویت ملی<sup>۶</sup>

«به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی است. این عناصر و نمادها که سبب تمایز و شناسایی می‌شوند عبارت‌اند از بعد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و زبانی.» (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۱) هویت ملی ابزاری برای تفکیک یک ملت از ملت دیگر با تکیه بر آگاهی مشترک حول مفهوم یا مفاهیم تعریف شده جمعی است و تا زمانی که آگاهی برای تفکیک «خود» از «دیگری» بوجود نیاید، هویت ملی امکان شکل‌گیری ندارد. (نصرتی، ۲۰۰۷)

- 
- 1.Identity
  - 2.Nationality
  - 3.Alfred . Zimmern
  - 4.Barnes
  - 5.Oppen heimer
  - 6.National identity

در این خصوص باوند معتقد است که؛ هویت ملی فرآیند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های مهم از هویت تاریخی خود است. (باوند، ۱۳۷۷) همچنین هویت ملی را می‌توان مجموعه‌ای از نشانه‌ها و آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی‌ای دانست که سبب تفاوت جوامع از یکدیگر می‌شود.

به نظر رابرت دونشوز هویت ملی فراگیرترین و درعین حال مشروع‌ترین سطح هویت در نظام‌های اجتماعی - جدا از گرایش‌های ایدئولوژیک - است و باید آن را اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت خاص محلی و هویت‌های عام فردی دانست. هویت ملی در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک واحد سیاسی هستند و موضوع قوانین آن واقع می‌شوند، از لحاظ روانی هم خود را از اعضای آن واحد بدانند. هویت ملی دارای ابعاد اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی و دینی است و هرکدام از این ابعاد، کارکردهای ویژه‌ای در هویت ملی دارند و بخشی از آن را تکمیل می‌کنند.

## ۲-۶- جوان

واژه‌های «الشباب، الشاب، الشبان و الفتاء» واژه‌های کلیدی است که با رجوع به آنها در لغت نامه‌ها و فرهنگ اصطلاحات، قرآن، کتب احادیث، می‌توان مسائل مربوط به جوان را به دست آورد.

- زبیدی «الشباب» را به معنای جوانی و نارس بودن می‌داند و از محمد بن حبيب نقل می‌کند که: «زمان غلومیت از تولد تا ۱۷ سالگی و شبابیت از ۱۷ تا ۵۱ سالگی است و از ۵۱ سالگی تا مرگ سن پیری است» و دو قول دیگر را نیز نقل می‌کند که «یکی جوانی را از بلوغ تا ۳۰ سالگی و دیگری از ۱۶ تا ۳۲ سالگی و بعد از آن را سن کهولت» ذکر می‌کند. (زبیدی، ۱، ۴۰۷)

- ابن‌منظور به حدیثی از «شریح» استشهاد می‌کند که استنباط می‌گردد جوانی در مقابل صباوت و کودکی است و بعد از بلوغ آغاز می‌گردد. (ابن‌منظور، ۷، ۱۰)

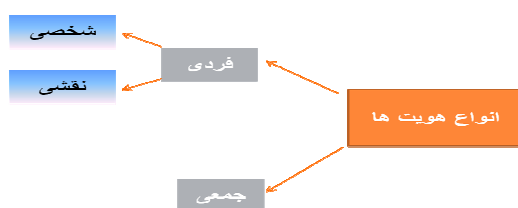
- طریحی نقل می‌کند که «در حدیث، به انسان ۳۰ ساله جوان (الشباب) اطلاق شده است.» (طریحی، ۲، ۸۵) و به همین دلیل سعیدالخورى، سن جوانی را از بلوغ تا ۳۰ سالگی ذکر کرده است. (شرتونی لبنانی، ۱، ۵۶۶ - ۵۶۵) و فیومی و احمدین فارس جوانی را قبل از سن کهولت به حساب آورده‌اند. (فیومی، ۱، ۳۶۴ و ابن فارس، ۱۰۲، ۴۹۹)

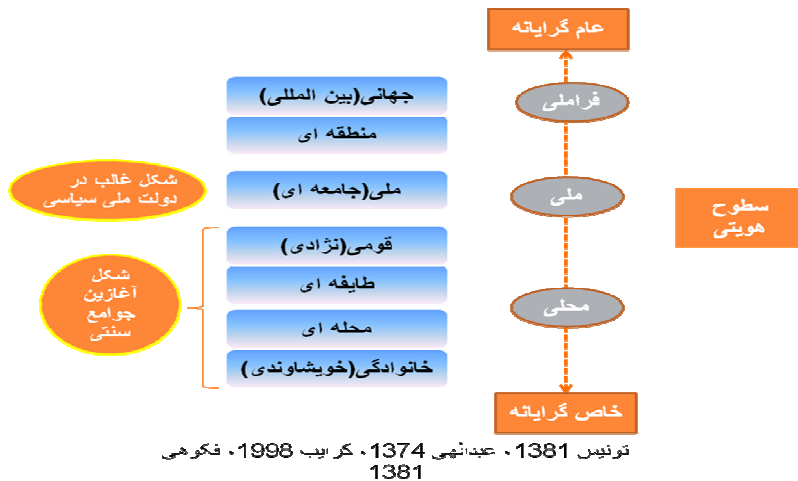
- لويس معلوف در المنجد «الشباب» را مترادف «فقاء» می‌گیرد و سن جوانی را از بلوغ تا حدود ۳۰ سالگی بیان می‌کند. شباب به معنای جوانی و نارس بودن است و با «الفقاء» مترادف است و جمع آن «شباب، شبان، شبیه» است و از جمع‌بندی آراء لغت‌شناسان چنین برمی‌آید که جوانی دوره میان کودکی و پیری است و اما این‌که مبدأ و منتهای آن چه وقت است؟ پیداست که بر فرد غیربالغ «شباب» (جوان) اطلاق نمی‌شود و جوانی از بلوغ آغاز می‌شود و قدر مشترک آن سن ۳۰ سالگی است.

### ۳- نوع و سطح بررسی هویت

از دو نوع کلی هویت فردی (شخصی و نقشی) و جمعی، تأکید ما بر هویت جمعی است و از سطوح محلی (خانواده، محله، طایفه، قوم)، ملی (شکل غالب دولت ملی سیاسی) و فراملی (منطقه‌ای و جهانی) تأکید ما بر هویت ملی است.

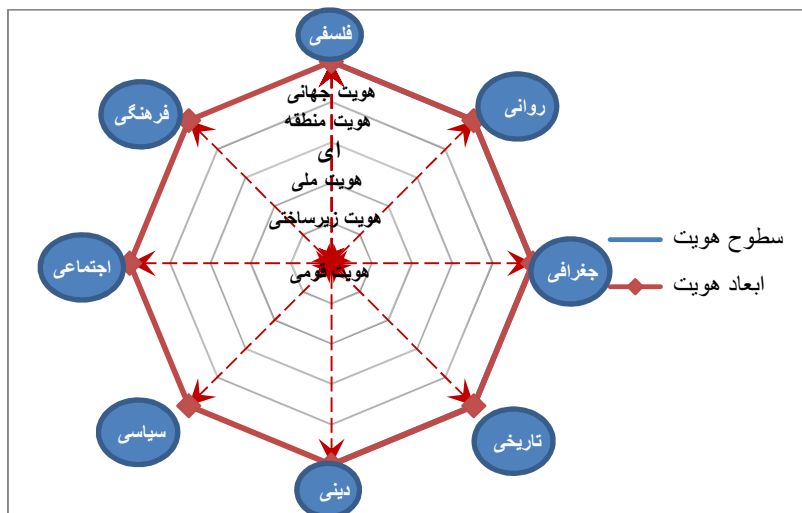
#### ۳) انواع و سطوح هویت





#### ۴- ابعاد بررسی هویت جوان ایرانی

هویت جوان ایرانی، ابعاد مختلفی می‌تواند داشته باشد که تقویت و رشد آنها ضرورت دارد. قسمتی از مهمترین ابعاد عبارت‌اند از: بعد فلسفی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دینی، تاریخی، جغرافیایی، روانی و جامعه‌پذیری (همسازی، هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها و هنجارها، عادت‌های فرهنگی مختص خود) هویت جوان ایرانی. در اینجا جهت اجتناب از اطاله‌ی کلام به‌طور مختصر به چند بعد از ابعاد مذکور اشاره خواهد شد.



شکل ۱ ارتباطات میان سطوح و ابعاد هویت

#### ۴-۱- بعد فلسفی هویت جوان ایرانی

همواره در ذهن انسان سؤالاتی از قبیل: من کیستم، از کجا آمده‌ام، به کجا خواهم رفت، هدف از آفرینش من چیست ... مطرح است، نمونه آن شعر پرمحتوای مولانا است که می‌فرماید:

روزها فکر من این است وهمه شب سخنم      که چرا غافل از احوال دل خویشتم  
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود      به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم

پاسخ دهی به کیستی و چیستی جوان ایرانی و جایگاه او در جهان هستی و یافتن دلیل زیستن او به عنوان یک انسان، بدون درک هویت، هستی معنوی و فرهنگی فرد، درک موقعیت او در جامعه و نسبت او با پیرامونش کاری تقریباً غیرممکن است. این مسأله چنان مهم است که در مکتب اگزیستانسیالیسم یا اصالت وجود ابتدا موقعیت فرد و هویت او در جامعه شناخته شده و سپس بر اساس هویت وجودی آن فرد و کیستی او درک شرائط او اهداف مطلوب برای او توسط خود او تعریف می‌گردد. (سواران، ۱۳۸۸)

#### ۴-۲- بعد اجتماعی هویت جوان ایرانی

هر شخص از طریق محیط اجتماعی‌ای که متعلق بدان است یا بدان رجوع می‌کند، هویت خود را می‌سازد و توسعه می‌دهد. بعد اجتماعی هویت ملی در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی جوان با نظام کلان اجتماعی است. «در صورت تقویت مناسبات و روابط فرد با جامعه، هویت جمعی فرد در سطح ملی شکل می‌گیرد و اصطلاحاً «مای» ملی تحقق می‌یابد. می‌توان گفت که احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد، به اجتماع ملی یا «مای» ملی به افراد هویت جمعی می‌بخشد.» (چلبی، ۱۳۷۸، ۳۱)

شناختن عملیاتی این بعد از هویت عبارتند از: اعتماد کامل، پذیرش مصالح و منافع جمعی بر مصالح و منافع فردی، برقراری روابط دوستانه و عاطفی در تمامی ابعاد، ابراز رضایت عمومی از اوضاع موجود، مشارکت در نظام تقسیم کار و پایبندی به هنجارهای عام. وجود هویت واحد و مشترک که ریشه در تاریخ و زبان و فرهنگ یک جامعه داشته و به

شکل طبیعی در طی زمان شکل یافته باشد و حالتی جعلی و دروغین و فرمالیته نداشته باشد، پارامتری بسیار اساسی و مهم در حفظ انسجام جامعه خواهد بود و عاملی حقیقی در وحدت بخشی به افراد جامعه به ویژه میان جوانان ایرانی در مقابل تهاجمات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری از خارج می‌تواند باشد. نظام ارزشی، هنجارها، اصول اخلاقی و قوانین عرفی ما که با پیروی از آنان قوام اجتماعی میسر و زندگی فرد در جامعه مقدور می‌گردد، همه نشأت گرفته از لایه‌های مختلف هویتی ما از هویت فردی، خانوادگی و طبقاتی گرفته تا هویت شهری، ملی، قومی، منطقه‌ای و حتی جهانی می‌باشد.

هویت جمعی و اجتماعی از دید جامعه‌شناسی بر مبنای تمایز عامل یا عواملی در جامعه‌ی سنتی و مدرن شکل می‌گیرد که عبارتند از مبنای هویت اجتماعی افراد در جوامع سنتی، ویژگی‌های انتسابی<sup>۱</sup> و مبنای هویت اجتماعی افراد در جوامع مدرن، دو رویکرد دارد: اول) فعالیت تولیدی و جایگاه فرد در نظام تولید یا ساختار شغلی ◀ براساس مفهوم طبقه بندی

دوم) رفتارهای مصرفی ◀ براساس مفهوم شیوه‌ی زندگی.<sup>۲</sup> (آزادارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱) «در دهه‌های اخیر فعالیت‌های فراغتی و عادات مصرفی به صورتی فزاینده به منزله شالوده‌های هویت اجتماعی درک می‌شوند. (Bourdieu: 1984)

#### ۴-۳- بعد دینی هویت جوان ایرانی

##### ۴-۳-۱- تعریف و اهمیت هویت دینی

از جمله مسائل اساسی شکل دهنده هویت هر انسانی، داشتن تعریفی از خود، از معنای زندگی، هدف در زندگی و... است و با نگاهی اجمالی به معارف دینی می‌بینیم که یکی از کارکردهای اصلی دین در زندگی این است که با دادن جهان‌بینی الهی، معنا و هدف نهایی زندگی را برای انسان تبیین می‌کند و غایت مسیر حرکت او را نشان می‌دهد. حال اگر معنا و غایت زندگی فرد بر اساس جهان‌بینی دینی شکل گرفت، دیگر ابعاد هویتی فرد (هویت شغلی،

1. Ascribed

2. Life style

جنسیتی و...) به عنوان واسطه‌های دستیابی به آن هدف و در راستای آن معنا و غایت نهایی جهت دهی خواهد شد. (جوادزاده شهشهانی، ۱۳۸۷)

با وجود افزایش و شدت یافتن فرآیندهای توسعه و نوسازی، مذهب همچنان در تمام ابعاد خود به‌عنوان منبع مهمی برای هویت و معنا بخشیدن در جهان متجدد و آشفته به شمار می‌رود. برخلاف بعضی از تصورات که مذهب را در نتیجه‌ی تداوم روند تجددگرایی، محو شده می‌پنداشته، دین به‌عنوان منبع اولیه معنا بخشی و هویت بخشی به بسیاری از مردم دنیا چون مسیحیان، مسلمانان، بوداییان و هندویان مطرح است. (احدی و هاتف‌نیا، ۱۳۸۷)

هویت دینی را در دو سطح می‌توان مشاهده کرد. اول سطح فردی و شخصی که تقریباً مترادف با دینداری فردی است اما در سطح دیگر، هویت دینی به‌عنوان جمعی نیز مطرح است و متضمن سطحی از دینداری است که با ما جمعی یا همان اجتماع دینی یا امت مقارنه دارد. در این معنا هویت دینی به معنای تعلق و تعهد به جامعه‌ی دینی است.

#### ۴-۳-۲- ابعاد هویت دینی

برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در فرآیند شکل دهی هویت ملی مؤثر است. شاخص‌های مهم این بعد را می‌توان در پایبندی به دین و ارزش‌های دینی، دلبستگی جمعی و عمومی به شعائر و مناسک دینی و مشارکت و تمایل عملی به ظواهر و آیین‌های مذهبی و دینی خلاصه کرد. (نصرتی، ۲۰۰۷) مارسیا، میزان دستیابی فرد به هویت را در وضعیت‌های چهارگانه‌ی؛ هویت دینی دست‌یافته، هویت دینی تعلق یافته، هویت دینی زودرس و هویت دینی مغشوش تقسیم‌بندی کرد:

از سال ۱۹۸۷ تاکنون تعدادی از نظریه پردازان، انتقادهایی را به بحث‌های مارسیا وارد کرده‌اند که به نظریه‌پردازان نئواریکسونی معروفند و الگوهای آنها را می‌توان به ۲ گروه تقسیم کرد:

- تئوری‌های تکمیل‌کننده تئوری وضعیت مارسیا که توسط نظریه پردازانی همچون برزونسکی (۱۹۸۹)، گروتونت (۱۹۸۷) و واترمن (۱۹۹۰) دنبال شد.

- تئوری‌هایی بسط دهنده که توسط افرادی همچون کرتینز (۱۹۹۹)، آدامز (۱۹۹۶) و کوته

(۱۹۹۷) پی‌گیری گردید. (جوادزاده شهشهانی، ۱۳۸۷)

### ۵- مبانی نظری و پیشینه‌ی تجربی

ضمن پرهیز از دوگانه‌بینی‌های تقلیل‌گرایانه خرد و کلان، ابتدا به بیان و سپس تلفیق دیدگاه‌های مذکور می‌پردازیم:

#### ۵-۱- دیدگاه‌های سطح خرد

۵-۱-۱- دیدگاه ارگانیک‌گرایی یا رفتارگرایی: نظام شخصیتی و هویت فردی و جمعی افراد را در رابطه با عوامل زیستی- روانی نظیر احساسات و تمایلات فردی مورد بررسی قرار می‌دهد. درخصوص دیدگاه اول می‌توان به تحقیقات تجربی ذیل اشاره کرد.

- منابع روان‌شناختی به ویژه نظریات اریک اریکسون که وی هویت را تابع رشد سنی و تحولات زیستی- روانی می‌داند. موارد زیر نیز به بررسی این مسایل پرداخته‌اند:

- شهشهانی (۱۳۷۱): هویت زن ایرانی در پاریس بین افزایش سن و گرایش به وطن.

- کمالی (۱۳۸۲): اعتماد اجتماعی (هویت جمعی) و جنیست.

- فیش‌بین و آیزن: طبق دیدگاه مبادله تأثیر عامل فایده‌مندی در شکل‌گیری و تغییر هویت.

- روزن اشتیل و هروشکا: بررسی عامل احساس بهره‌مندی و رضایت در شکل‌گیری و تغییر هویت.

تاجفل نیز (۱۹۷۲) شکل‌گیری هویت جمعی را قرین دو احساس متضاد می‌داند:

یکی؛ احساس تعلق به گروه خودی که فرد درون آن قرار دارد.

دومی؛ احساس تمایز یا تبعیض در برابر گروه‌های غیرخودی که فرد بیرون آنها قرار دارد.

۵-۱-۲- نمادگرایی: هویت را در رابطه با پنداشت‌ها و تفاسیر افراد، تجزیه و تحلیل می‌کند.

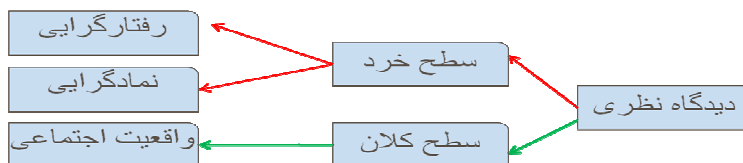
#### ۵-۲- دیدگاه‌های سطح کلان

۵-۲-۱- دیدگاه واقعیت اجتماعی: ویژگی‌های ذهنی و شخصیتی افراد را بیشتر در ارتباط

با شرایط و عوامل اجتماعی تبیین می‌کند.



(نمودار شماره ۱- تقسیم بندی دیدگاه های نظری)



۳-۵- تشریح نظریه‌ی اریکسون: هویت در برابر سردرگمی هویت

اریکسون (۱۹۶۸-۱۹۵۰) اولین کسی بود که هویت را به عنوان دستاورد مهم شخصیت نوجوانی و گامی مهم به سوی تبدیل شدن به فردی ثمربخش و خشنود، تشخیص داد. تشکیل هویت عبارت است از مشخص کردن چه کسی هستید؟ برای چه چیزی ارزش قائلید و چه مسیری می‌خواهید در زندگی دنبال کنید؟ هویت نیروی پیشبرنده در پس خیلی از تعهدات است از جمله احساس تعهد نسبت به جهت‌گیری جنسی، شغلی، روابط میان فردی، درآمیختگی با جامعه، عضویت در گروه قومی، آرمان‌های اخلاقی-سیاسی-مذهبی و فرهنگی. اریکسون تعارض روانی نوجوانی را هویت در برابر سردرگمی هویت می‌نامد. گرچه بذره‌های تشکیل هویت قبلاً کاشته شده‌اند افراد تا نوجوانی مجذوب این تکلیف نمی‌شوند. به عقیده‌ی اریکسون نوجوانان در جوامع پیچیده دچار بحران هویت می‌شوند و یک دوره‌ی موقتی سردرگمی و پریشانی که قبل از به توافق رسیدن در مورد ارزش‌ها و اهداف آن را تجربه می‌کنند. (برک، ۱۳۸۶، ۶۱)

۴-۵- راه‌هایی به سوی هویت

پژوهشگران با استفاده از روش مصاحبه‌ی بالینی جوانان را به چهار طبقه تقسیم می‌کنند که پیشرفت آنها را در تشکیل هویت پخته نشان می‌دهند. (مارسیا، ۱۹۸۰)

کسب هویت<sup>۱</sup>: قبلاً گزینه‌ها را بررسی کرده و به یک رشته ارزش‌ها و اهداف پایبندند.

وقفه<sup>۲</sup>: تعهد قطعی برای خود ایجاد نکرده و سرگرم فرآیند کاوش‌اند.

1. Identity Achievement
2. Moratorium

ضبط هویت<sup>۱</sup>: خود را به ارزش‌ها و اهدافی پای‌بند کرده اما بدون این که گزینه‌های دیگر را بررسی کرده باشند زیرا فردی مقتدر برایشان برگزیده است.  
پراکندگی هویت<sup>۲</sup>: فاقد جهت روشن‌اند. تلاشی هم نمی‌کنند.  
کسب هویت و وقفه راه‌های سالمی به سوی خود وصفی پخته هستند. ضبط و پراکندگی، ناسازگارانه هستند.  
تعصبات قومی و مذهبی نزد نوجوانانی که هویت ضبطی و پراکنده دارند شایع است.  
(برک، ۱۳۸۶، ۶۵)

عواملی هم که بر رشد هویت تأثیر می‌گذارند:

- شخصیت
- کانون خانواده و وضعیت رفتاری والدین
- مدارس و جوامعی که فرصت‌های گوناگونی برای کاوش تأمین می‌کنند.
- بستر فرهنگی و مقطع تاریخی (برک، ۱۳۸۶، ۶۶)
- نهادهای جامعه‌پذیری مهم مانند خانواده، مدرسه، رسانه‌های جمعی که منظور رسانه-های گروهی اند (تلویزیون، ماهواره، اینترنت، روزنامه و...) که تا حدود زیادی توانسته‌اند در آگاهی رساندن به مردم به‌ویژه جوانان نقش به‌سزایی داشته باشند و گروه همالان.

۵-۵- دیدگاه نمادگرایی:

۵-۵-۱- دیدگاه‌های نظری مانند:

رفتار اجتماعی مید، کنش متقابل بلومر، جامعه‌شناسی پدیداری شوتس، روش‌شناسی مردمی گارفینگل

۵-۵-۲- منابع و پیشینه‌ی تجربی مانند:

- توسلی (۱۳۷۲): رابطه هویت جمعی عام افراد با عواملی چون تکثرگرایی و پذیرش تفاوت‌ها.

---

1.Identity Foreclosure

2.Identity Diffusion

- رزازی‌فر (۱۳۷۹): میزان عام‌گرایی و عدالت اجتماعی.
- قیصری (۱۳۷۷): آگاهی افراد از ارزش‌ها و سمبل‌های مشترک و... رضایت از زندگی.
- عظیمی‌هاشمی (۱۳۷۸): تعهد تعمیم‌یافته و تعاملات بین‌گروهی افراد.
- ساروخانی و رفعت‌جاه (۱۳۸۳): زنان و بازتعریف هویت اجتماعی.
- معیدفر (۱۳۸۵): ارزش‌های اجتماعی و بحران هویت در ایران.
- نیازی و کارکنان (۱۳۸۶): تبیین جامعه‌شناختی پدیده شکاف نسل‌ها و بحران هویت.

#### ۵-۶-۱- هویت در دیدگاه‌های نظری و تجربی سطح کلان

##### ۵-۶-۱-۱- دیدگاه واقعیت اجتماعی:

در دیدگاه‌های نظری کلان، هویت (در انواع اشکال آن) در رابطه با شرایط و عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی و فرآیندهای عمده‌ای چون جهانی شدن، سنت و مدرنیته، نوگرایی و نوسازی مورد توجه قرار گرفته است. هایدگر از آن‌رو انسان را بی‌ریشه می‌داند که با گذشته خود برخوردی اصیل ندارد و حلقه‌های تاریخی خود را از دست داده است. (معینی علمداری، ۱۲، ۱۳۸۱-۱۹) هویت خصلتی تاریخی دارد، در طی تاریخ شکل می‌گیرد و قطع پیوند تاریخی منجر به بروز بحران هویت می‌شود. (فراستخواه، ۱۳۷۱) مایکل هکتر عامل استعمار داخلی و احساس محرومیت و تبعیض را در تحریک و تغییر هویت‌های افراد مؤثر می‌داند. (Brass, 1991: 16) مدرنیته بر وحدت در کثرت و توسعه نهادهای فرهنگی، اجتماعی... تشکیل‌دهنده جامعه و هویت جهانی (والرشتاین، ۱۹۸۹ و گیدنز، ۲۰۰۰ و هابرماس، ۱۹۸۰) تأکید دارد. پست مدرنیته بر جریان‌های تکثرگرایانه و تقویت اجتماعات و هویت‌های محلی تأکید می‌ورزد. (احمدی، ۱۳۸۱)

##### ۵-۶-۲- دیدگاه فرانسس‌لو و همکارانش

در دوران جدید، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها در پاسخ به خواست‌های انطباقی که با جهان کلی رقابت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فزاینده نمایانده می‌شود، با سرعتی فزاینده تغییر می‌یابند. این کلی شدن پیش‌رونده استرس‌های انطباقی بیشتر بر افراد و گروه‌های فرهنگی

تحمیل می‌کند. بهتر است در ارزیابی هویت فرهنگی فرد به گروه مرجع فرهنگی یا قومی فرد، نحوه‌ی آموزش و اطلاع‌رسانی، زبان مادری و مسائل فولکلوریک آن نیز توجه شود. در مورد مهاجران و اقلیت‌های قومی میزان درگیری با فرهنگ ریشه‌ای و فرهنگ میزبان باید ارزیابی شود. فرانسس لو<sup>۱</sup> و همکارانش اجزای اساسی هویت فرهنگی را این‌چنین خلاصه کرده‌اند: (کاپلان و سادوک، ۲۰۰۳، ۲۴۲)

(جدول شماره ۱- اجزای هویت فرهنگی از دید فرانسس لو و همکارانش)

قومیت	جنس
نژاد	سن
کشور مبدأ	گرایش جنسی
زبان	باورهای مذهبی و معنوی
فرهنگ‌پذیری	طبقه اجتماعی اقتصادی و سواد

به‌طور خلاصه باید گفت که «هویت از هر نوعی که باشد<sup>۲</sup> برآیندی دیالکتیکی است از دو صفت همسانی و ناهمسانی یا تشابه و تمایز<sup>۳</sup> بین خود و غیرخود (خودم با دیگری و خودمان با دیگران) و جذب و دفع<sup>۴</sup> که می‌توانند با یکدیگر رابطه‌ای مکمل، متضاد و... داشته باشند.»

۵-۶-۳- دیدگاه کاستلز

کاستلز هویت را «فرآیند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی می‌داند که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود.» (کاستلز، ۲۰۱۳، ۲۲)

1. Frances Cs.Lu

۲. (رک. روان‌شناسی رشد، لورای برک، ترجمه سید محمدی، ج ۱، ص ۴۵۹)

3. Difference

4. Inclusion-Exclusion

سه صورت و منشأ برساختن هویت وجود دارد:

- ۱- هویت مشروعیت بخش: توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد تا سلطه را برکنشگران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند. مانند نظریه اقتدار و سلطه سنت. (Sennett, 1986)
- ۲- هویت مقاومت: به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و شرایطی اند که از طرف منطق سلطه، بی‌ارزش‌اند و داغ‌ننگ بر آنان است. (Calhoun, 1994: 17)
- ۳- هویت برنامه‌دار: کنشگران با استفاده از هر نوع مصالح فرهنگی، هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند و در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی‌اند.

هر یک از فرآیندهای هویت‌سازی، به نتیجه متفاوتی در ایجاد جامعه می‌انجامد: هویت مشروعیت بخش، جامعه مدنی ایجاد می‌کند.

هویت مقاومت، جماعت‌ها<sup>۱</sup> یا اجتماعات را ایجاد می‌کند. (مانند قوم‌گرایی) هویت برنامه‌دار، سوژه یا فاعل را ایجاد می‌کند. (مانند فمینیسم. (کاستلز، ۱۳۸۰، ۲۷)

#### ۵-۷- هویت در دیدگاه‌های نظری و تجربی تلفیقی

- صاحب‌نظران بزرگ جامعه‌شناسی معاصر سعی کرده‌اند مفهوم هویت، بحران هویت، تغییر هویت، سطوح هویت و... را از تنگناهای تقلیل‌گرایی و مباحث ایدئولوژیک برهانند.
- هابرماس؛ رفع سیطره عقلانیت ابزاری در گرو گسترش حوزه‌ی عمومی را برای گفت و گوی آزاد خردمندان در جهت رشد عقلانیت ارتباطی و دستیابی به وفاق تفاهمی که زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت جمعی عام است، لازم می‌داند. (هابرماس، ۱۳۸۰، ۶۷)
  - گیدنز؛ کاهش نفوذ سنت و توسعه مدرنیته و امکان تحقق هویت‌های چندگانه و آزادی افراد در انتخاب آگاهانه را مطرح می‌کند. (گیدنز، ۱۳۷۷، ۸۰)
  - الکساندر؛ با تأکید بر جامعه‌مدنی، بر ضرورت رهاسازی مفاهیم هویت از موضع-گیری‌های ارزشی انگشت می‌نهد. (الکساندر، ۱۹۹۸، ۱-۱۱)

۸-۵- نظریه‌های هویت را می‌توان در دو رویکرد زیر نیز جای داد و مورد بررسی

قرار داد:

اول) رویکرد مدرن:

تعریف هویت به وسیله عوامل از قبل موجود طبیعی، روانی و اجتماعی صورت می‌گیرد.  
۱- اول) نظریه‌های جامعه‌شناسانی که در آنها، هویت، ساخته و پرداخته زمان و مکان است:

مانند دیدگاه‌های تعامل‌گرایان نمادین و آنتونی گیدنز.

۲- اول) نظریه‌های شناخت اجتماعی (روان‌شناسان اجتماعی) با تأکید بر فرآیندهای روانی.

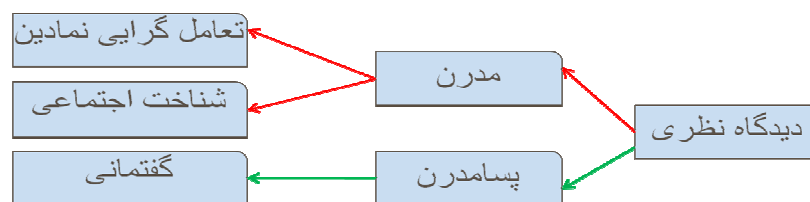
دوم) رویکرد پسامدرن‌ها:

بر این باورند که شکل‌گیری و تعریف هویت به دور از دخالت هرگونه عامل از قبل موجود صورت می‌گیرد.

۱- دوم) نظریه‌گفتمانی که عمدتاً متأثر از ادبیات، زبان‌شناسی و معناشناسی است.

(ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۱، ۱۳۷)

(نمودار شماره ۲- بررسی دیدگاه نظری)



۶- چارچوب نظری و فرضیات تحقیق

در این تحقیق از میان متغیرهای زمینه از قبیل سن، جنس، تحصیلات و شغل (با ثابت فرض کردن تأثیر ثابت متغیرهای دیگر)، ابتدا به بررسی رابطه‌ی بین دو متغیر عمده‌ی تحصیلات و شغل و بحران هویت پرداخته و از سوی دیگر فرضیات اصلی تحقیق، با الهام از

آرای کاستلز (شکوفایی قومی)، مارسیا (دینداری و هویت)، مایکل هکتر (احساس محرومیت نسبی) و فرانسس لو و همکارانش (بهره‌گیری نوشتاری و ادبی از زبان مادری) به عنوان چارچوب نظری تحقیق، تدوین شده است. لازم به ذکر است در این تحقیق ادعا نمی‌شود که سایر عوامل دیگر اعم از زمینه‌ایی و اجتماعی بر شکل‌گیری هویت منسجم در میان جوانان شهرستان بوکان تأثیری ندارند و محدود کردن میدان بررسی تحقیق به متغیرهای مذکور صرفاً به دلیل محدودیت زمانی و بودجه‌ایی محققین بوده است.

#### فرضیه‌های تحقیق به صورت ذیل می‌باشند:

- به نظر می‌رسد بین تحصیلات و هویت جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین اشتغال و هویت جوانان رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین اهمیت دادن به شکوفایی هویت قومی و هویت جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین دین و رویکرد فرد به دین با هویت جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین میزان احساس محرومیت نسبی و شکل‌گیری هویت منسجم جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین بهره‌گیری نوشتاری و ادبی از زبان مادری و هویت جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.

#### ۷- روش شناسی

روش مقاله‌ی حاضر، پیمایشی بوده و از طریق پرسشنامه نیز داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شده‌اند. جامعه‌ی آماری این پژوهش، کلیه‌ی افراد باسواد (اعم از زن و مرد) در مقاطع متوسطه، کارشناسی و بالاتر و از سن ۱۷ تا حداکثر ۳۰ سالگی شهری و روستایی شهرستان بوکان می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی منظم متناسب و فرمول ذیل بهره‌

برداری گردید و با مقداری تعدیل جهت ارتقای بیشتر سطح اعتبار و روایی، حجم نمونه‌ی ۴۰۶ نفری از کل جمعیت آماری ۱۲۶۵۲۰ به دست آمده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.  
 فرمول مورد استفاده جهت تعیین حجم نمونه‌ی جمعیت مورد بررسی، به صورت ذیل می‌باشد. (رفیع‌پور، ۱۳۸۳، ۳۸۳)

n = حجم نمونه‌ی آماری

$t^2$  = برآورد درصد احتمال و خطا ۱/۹۶ با ۹۵٪

P = وجود صفت مورد نظر در نمونه ۵/۰

q = عدم وجود صفت مورد نظر در نمونه ۵/۰

N = حجم جمعیت آماری =

$d^2 = 0.05$

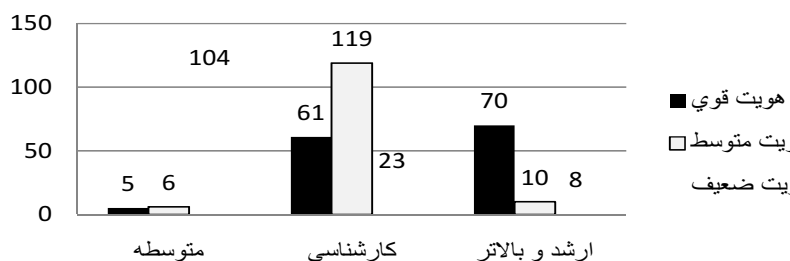
$$n = \frac{\frac{t^2 p \cdot q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left( \frac{t^2 p \cdot q}{d^2} - 1 \right)}$$

#### ۸- یافته‌های تحقیق

فرضیه‌ی اول) به نظر می‌رسد بین تحصیلات و هویت جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.  
 جدول شماره ۱- بررسی تطبیقی فراوانی و درصد فراوانی ارتباط تحصیلات و هویت جوانان

وضعیت هویت						تحصیلات
ضعیف و کم		متوسط		قوی و بالا		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۷/۰۳	۱۰۴	۴/۴۴	۶	۳/۶۷	۵	متوسطه
۱۷/۰۳	۲۳	۸۸/۱۴	۱۱۹	۴۴/۸۵	۶۱	کارشناسی
۵/۹۲	۸	۷/۴۰	۱۰	۵۱/۴۷	۷۰	ارشد و بالاتر
۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۶	جمع

نمودار شماره ۱- بررسی تطبیقی فراوانی و درصد فراوانی ارتباط تحصیلات و هویت جوانان



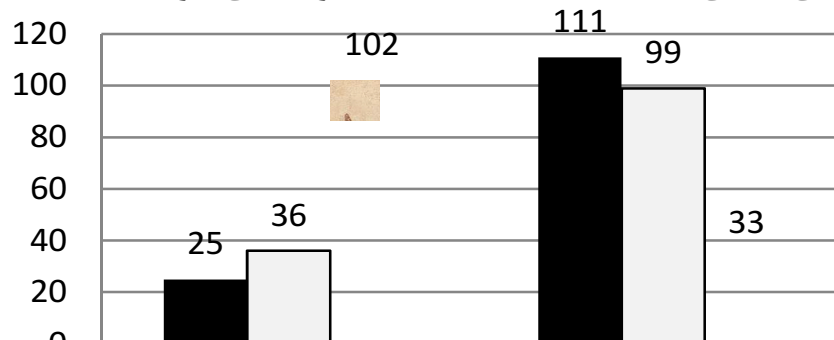


فرضیه دوم) به نظر می‌رسد بین اشتغال و هویت جوانان رابطه وجود دارد.  
جدول شماره ۲- بررسی تطبیقی فراوانی و درصد فراوانی ارتباط میان وضعیت اشتغال

و هویت ملی جوانان

وضعیت هویت ملی جوانان						وضعیت اشتغال
ضعیف و کم		متوسط		قوی و بالا		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۵/۵۵	۱۰۲	۲۶/۶۶	۳۶	۱۸/۳۸	۲۵	بی شغل
۲۴/۴۴	۳۳	۷۳/۳۳	۹۹	۸۱/۶۱	۱۱۱	شاغل
۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۶	جمع

رسی تطبیقی ارتباط میان وضعیت اشتغال و هویت ملی جوانان

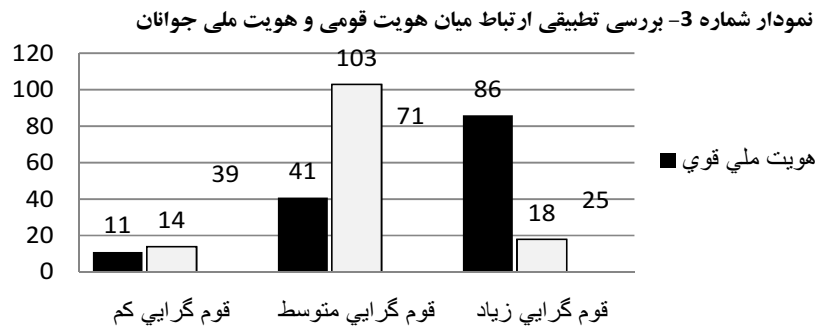


فرضیه سوم) به نظر می‌رسد بین اهمیت دادن به شکوفایی هویت قومی و هویت جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳- بررسی تطبیقی فراوانی و درصد فراوانی ارتباط میان هویت قومی و

هویت ملی جوانان

وضعیت هویت ملی جوانان						وضعیت هویت قومی (قوم گرایی)
ضعیف و کم		متوسط		قوی و بالا		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۸/۶۷	۳۹	۱۰/۲۹	۱۴	۸/۰۸	۱۱	کم
۵۲/۲۰	۷۱	۷۵/۷۳	۱۰۳	۳۰/۱۴	۴۱	متوسط
۱۸/۳۸	۲۵	۱۳/۲۳	۱۸	۶۳/۲۳	۸۶	زیاد
۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۶	جمع



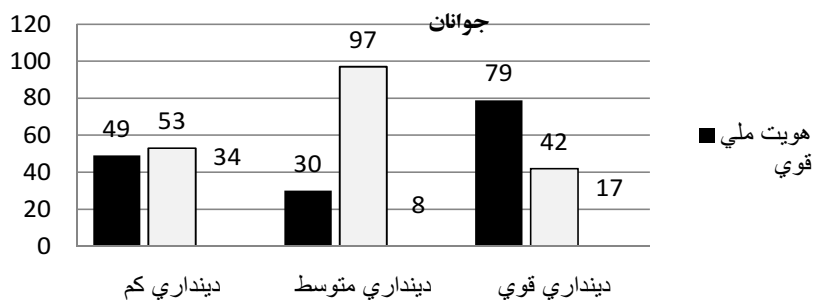
فرضیه چهارم) به نظر می‌رسد بین دین و رویکرد فرد به دین با هویت جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴- بررسی تطبیقی فراوانی و درصد فراوانی ارتباط میان رویکرد فرد

به دین و هویت ملی جوانان

وضعیت هویت ملی جوانان						دین گرایی
ضعیف و کم		متوسط		قوی و بالا		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۵۷	۷۹	۲۲/۲۲	۳۰	۳۶/۳	۴۹	کم
۳۱	۴۲	۷۲/۸۵	۹۷	۳۸/۷	۵۳	متوسط
۱۲	۱۷	۵/۹۲	۸	۲۵	۳۴	زیاد
۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۶	جمع

نمودار شماره ۴- بررسی تطبیقی ارتباط میان رویکرد فرد به دین و هویت ملی

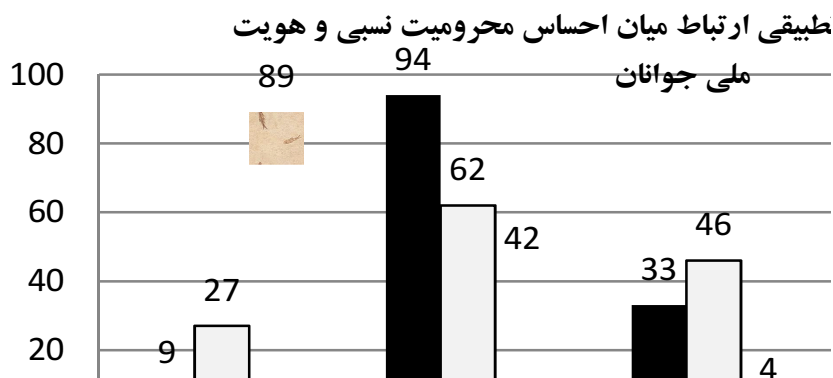


فرضیه پنچ) بنظر می‌رسد بین میزان احساس محرومیت نسبی و شکل‌گیری هویت منسجم جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵- بررسی تطبیقی فراوانی و درصد فراوانی ارتباط میان احساس

محرومیت نسبی و هویت ملی جوانان

وضعیت هویت ملی جوانان						احساس محرومیت نسبی
ضعیف و کم		متوسط		قوی و بالا		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۶۵/۹۲	۸۹	۲۰	۲۷	۶/۶۱	۹	کم
۳۱/۱۱	۴۲	۴۵/۹۲	۶۲	۶۹/۱۱	۹۴	متوسط
۲/۹۶	۴	۳۴/۰۷	۴۶	۲۴/۲۶	۳۳	زیاد
۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۶	جمع

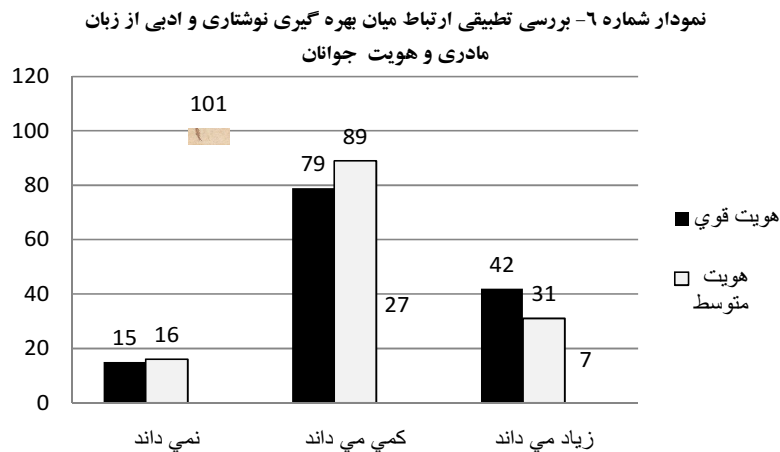


فرضیه ششم) به نظر می‌رسد بین بهره‌گیری نوشتاری و ادبی از زبان مادری و هویت جوانان ایرانی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۶- بررسی تطبیقی فراوانی و درصد فراوانی ارتباط بهره‌گیری نوشتاری -

ادبی زبان مادری و هویت جوانان

وضعیت هویت ملی جوانان						بهره‌گیری نوشتاری و ادبی از زبان مادری
ضعیف و کم		متوسط		قوی و بالا		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۴/۸۱	۱۰۱	۱۱/۸۵	۱۶	۱۱/۰۲	۱۵	نمی‌داند
۲۰	۲۷	۶۵/۹۲	۸۹	۵۸/۰۸	۷۹	کمی می‌داند
۵/۱۸	۷	۲۲/۹۶	۳۱	۳۰/۸۸	۴۲	زیاد می‌داند
۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۵	۱۰۰	۱۳۶	جمع



جدول شماره ۷- معادله‌ی رگرسیون میزان تبیین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (انسجام هویتی جوانان)

متغیر	ضریب بتا (Beta)	ضریب چندگانه $R^2$
سطح تحصیلات	۰/۲۷	۰/۰۷
اشتغال	۰/۴۳	۰/۰۱۱
هویت قومی (قوم گرایی)	۰/۳۶	۰/۰۹
رویکرد به دین (دین داری)	۰/۳۱	۰/۰۸
احساس محرومیت نسبی	۰/۱۹	۰/۰۵
بهره‌گیری نوشتاری و ادبی از زبان مادری	۰/۳۷	۰/۰۱۰

مشاهده می‌شود که متغیر سطح تحصیلات، ۰/۰۷٪ از تغییرهای هویت فرد را تبیین و تبیین می‌کند. تحصیلات، به‌عنوان یکی از متغیرهای سطح کلان با علامت مثبت ضریب بتا (۰/۲۷٪) می‌تواند پیش‌بینی کند که با افزایش یک واحد در سطح سنجش تحصیلات به میزان ۰/۲۷٪ بر شکل‌گیری هویت منسجم جوانان ایرانی می‌افزاید. می‌توان پیش‌بینی کرد که با افزایش یک واحد در سطح سنجش متغیرهای اشتغال، هویت قومی (قوم گرایی)، رویکرد به دین (دین‌داری)، احساس

محرومیت نسبی، بهره‌گیری نوشتاری و ادبی از زبان مادری به ترتیب ۴۳٪، ۳۶٪، ۳۱٪، ۱۹٪، ۳۷٪ بر شکل‌گیری هویت منسجم جوانان ایرانی می‌افزاید.

### ۹- نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان دهنده‌ی آن است که در میان فرضیه‌هایی که براساس متغیرهای زمینه‌ای پاسخ‌گویان تدوین شده بودند، بیشترین همبستگی بین متغیر وابسته و متغیرهای زمینه‌ای را متغیرهای اشتغال و پس از آن تحصیلات به خود اختصاص دادند. که این امر از یک سوی نشان از میزان توجه جوانان جامعه‌ی مورد مطالعه به مسأله‌ی اشتغال می‌باشد و از سوی دیگر نشان دهنده‌ی عدم توجه مسئولین به اشتغال و اشتغال‌زایی در این جامعه می‌باشد، که تا این حد مسأله‌ی اشتغال برگرایش جوانان به هویت منسجم ایرانی تأثیرگذار است. از میان متغیرهای مستقلی نیز که با الهام از چارچوب نظری تحقیق استخراج شدند، بیشترین همبستگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل به ترتیب متغیرهای؛ بهره‌گیری نوشتاری و ادبی از زبان مادری، اهمیت دادن به شکوفایی هویت قومی، دینداری و رویکرد جوانان به دین و نهایتاً میزان احساس محرومیت نسبی به خود اختصاص دادند. در این خصوص نیز با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت که از آنجا که ایران یک جامعه‌ی چند قومیتی و چند فرهنگی می‌باشد، لذا توجه به زبان مادری و ویژگی‌های خاص فرهنگ‌های موجود می‌تواند در میزان گرایش جوانان شهرستان بوکان به یک هویت منسجم ایرانی تأثیرگذار باشد و هرگونه کم‌توجهی و غفلت از این مسأله می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری را برای جامعه‌ی ایران به دنبال داشته باشد.

بنابراین اهمیت دادن به زبان مادری و شکوفایی هویت قومی به مثابه زیربنای شکل‌گیری منسجم هویت ملی می‌باشند. پس ضروری است به نیازها، فرهنگ و حقوق اقوام ایرانی بیشتر توجه شود. علاوه‌براین باید اهمیت خاصی به هویت دینی و بعد دینی هویت ملی داده شود که مبنای این فرض دوم بود که با توجه به مفاهیم و آموزه‌های طرح شده در دین، می‌توان رویکرد فرد به دین را جهت دهنده ابعاد دیگر هویت او دانست. پس بازگشت به خود و کنار گذاشتن تنگ نظری‌ها، حمایت از فرهنگ و هویت بومی و قومی اقوام و ملل مختلف ایرانی، درک و قبول واقعیت کثیرالقومی ایران، کمک‌گیری از بنیان‌های هویتی قومی - ملی همه ایرانیان، ایجاد

ساختاری غیرمتمرکز، تنها در سایه ایجاد نگرش انسان محور قابل تحقق است که پایه‌های هویتی اقوام ایرانی دوباره ترمیم گردیده و با ایجاد جامعه‌ای با ثبات و قوی بنیه، امواج جدید وارده از غرب به جای ایجاد بحران، عاملی در خدمت توسعه سریعتر کشور خواهد شد. اکثر تحلیل‌گران دانشگاهی مسایل ایران معتقدند که: بهترین راه برای شرایط و اوضاع خاص و کنونی ایران این است که هرکدام از قومیت‌ها به ملت تبدیل شده و ملت‌های شکل گرفته متحد گردیده و دولتی چند ملیتی بر پایه‌ی برابری کامل ملی، دموکراسی پایدار و عدم تبعیض سازمان دهند که این خود منجر به شکل‌گیری و تقویت هویت به صورت عمیق‌تری می‌شود. تقویت هویت قومی می‌تواند نتیجه حرکت به سمت دولت حداقل و جوامع حداکثر در کشور و نیز کاهش نقش مرزهای آهنین جغرافیایی را به دنبال داشته باشد. با تقویت هویت قومی از طریق: رسانه‌ها، آموزش و پرورش و فعالیت‌های جمعی در این راه (تجمع، سمینار، کنگره، فراخوانی، کلوپ سازی، ارزش‌سازی و نهادینه‌گی روح هویت و ...)، فرد تجربه می‌کند که قسمتی از یک نوع ملت بودن به چه معناست؟ و چگونه به‌طور مستقیم نهادهای ملت‌ساز در زندگیش نفوذ می‌کند.

در عصر حاضر یکی از مؤثرترین روش‌ها برای دستیابی به هویتی اصیل و تثبیت شده، بهره‌گیری از تفکر انتقادی است. تفکر در انسان ابعاد مختلفی دارد که تفکر خلاق و تفکر انتقادی دو بعد بسیار مهم از آن هستند. تفکر خلاق را می‌توان توانایی برای تشکیل ترکیب جدیدی از اندیشه، جهت برآوردن نیاز، تصور کرد. پرکینز، یک ویژگی مهم تفکر خلاق را داشتن نتایج خلاق می‌داند. تفکر انتقادی نیز تفکری عقلانی و تأملی است که بر تصمیم‌گیری برای هرآنچه باید باور داشت یا انجام داد متمرکز است. تفکر انتقادی با این تعریف، تمایلات و توانایی‌ها را در برمی‌گیرد. با توجه به این که تفکر انتقادی، به نوعی چون و چرا کردن در مورد باورها و اعمال انسان و یا محیط اوست، می‌توان بین تفکر خلاق و تفکر انتقادی، نوعی رابطه متقابل فرض کرد. به این معنا که وقتی فرد بدون چون و چرا، مفهوم یا عملی را نمی‌پذیرد و برای او سؤال ایجاد می‌شود، بسیار راحت‌تر و بهتر می‌تواند مسیرهای جدید و خلاق را جستجو کند و نیز کسی که تفکر خلاق دارد می‌تواند به راحتی به چون و چرا در مسائل مختلف بپردازد. (تفکر انتقادی داشته باشد) در تفکر انتقادی مهم آن است که فرد، پیش‌داوری-

ها و تعصب‌های خود را کنار گذارد و بتواند کیفیت تفکر خود را بهبود بخشد. فرد، قادر به تفکر انتقادی نخواهد بود، مگر این که بتواند تصویر و برداشت خود از واقعیت را، دست کم به‌طور موقت، کنار گذارد و به واقعیت‌های جایگزین دیگر بیندیشد. به نظر می‌رسد تفکر انتقادی به تنهایی یک ابزار است و برای این که فرد بتواند در یک زمینه‌ی خاص از این ابزار به بهترین نحو استفاده کند، لازم است به آگاهی‌ها و اطلاعات کافی در آن مورد دسترسی داشته باشد. این امر، نقش سیستم‌های آموزشی و پرورشی مانند خانواده و آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی و... را در فراهم کردن شرایط لازم برای انتقال اطلاعات صحیح و همه‌جانبه به نوجوانان و جوانان و نیز پرورش مهارت تفکر انتقادی در آنها نشان می‌دهد.

از نظر کرتینز، عناصر مهم مهارت‌های حل مسأله می‌تواند شامل ارزیابی انتقادی، بحث انتقادی گروهی و هویت انتقادی باشد. هویت انتقادی (در زمینه فردی و اجتماعی)، توسط حل انتقادی مسأله و بحث انتقادی، بازسازی و تجدید نظر می‌شود. هر فرد سالمی تا فرا رسیدن اواخر نوجوانی می‌تواند هویت انتقادی را در خود ایجاد کند و مسؤولیت پرورش این مهارت‌ها را در نوجوانان، برعهده ساختارها و سازمان‌های اجتماعی مانند: خانواده، مدرسه، دین و... است.

پیوستن ما به جهان به معنای «غربی شدن مان» و یا از دست دادن هر گونه ایرانیت‌مان، و یا رها کردن هرگونه هویت ملی‌مان در اساس نیست، بلکه به معنای پذیرش‌مان همچون پدیده‌ای بحرانی در مسیر پرنوسان حرکت جهانی و به معنای خروج از زیست تک روانه‌مان است. ما باید بپذیریم که دیگر تک نیستیم. رسیدن به این درک ساده، خود یک تحول بزرگ در حوزه ارزش‌ها و باورهایمان است. دوران ما دوران خروج از واحدهای کشوریست. از این به بعد اشکال جدیدی از هویت در ما آشکار خواهند شد که متعلق به عصر جهانی شدن هستند.

(شکرپیگی و ساعی، ۱۳۸۵)

واقعیت خشن عصر ما آن است که دیگر در هیچ کشوری نمی‌توان از فرهنگ اصیل و ملی، از سنت پیشین، همچون واقعیت‌هایی دست نخورده و تام و تمام سخن گفت، زیرا فرهنگ و سنت در رابطه با مدرنیته متحول می‌شوند. ولی این تحول تنها در فرهنگ ملی و سنت پدید نمی‌آید. در واقع به همین شکل مدرنیته نیز واقعیت پیشین، یعنی تماماً غربی خود را

از دست می‌دهد. این تحول اهمیت فراوان دارد و اغلب از دید پژوهشگران پنهان می‌ماند. در واقع ترکیب‌های نو یک مجموعه‌ی جدیدند، مجموعه‌ای که از پیش وجود نداشته است، نه این است و نه آن؛ نه فرهنگ ملی به معنای اصیل، نه مدرنیته به معنای غربی، بلکه ترکیب هر دوی آنهاست. در این ترکیب، هم فرهنگ ملی وجود دارد و هم مدرنیته، اما هر دوی آنها در یک فضای جدید، در یک آرایش جدید شکل می‌گیرند. در طرح ترکیب‌های جدید از تئوری هولیسم<sup>۱</sup> که یک تئوری فلسفی است استفاده شده است که می‌گوید که «تمام» جمع ساده اجزای تشکیل دهنده‌ی آن نیست بلکه چیزی بیش از آن است. مسأله آن نیست که در مقابل ورود مدرنیته در ایران، فرهنگ ملی یا حتی سنت از بین می‌رود، بلکه مسأله آن است که این فرهنگ و آن سنت آرایش جدیدی به خود می‌گیرند، به پدیده‌ی مقاومتی بدل می‌شوند، خود به خود و به ناگزیر وارد ترکیبی جدید با عناصر وارداتی مدرنیته می‌گردد.

آنچه را که سبب می‌شود تا مردم کشور و به‌ویژه جوانان به داشتن آن در سطح ملی و بین‌المللی، افتخار کنند و از خودکم‌بینی و احساس شرم که منجر به پنهان کردن هویت یا توجیه نواقص آن می‌شود، بپرهیزند را توسعه دهیم و به‌دست آوریم. مانند دستیابی به فناوری‌های مهم (که همین انرژی هسته‌ای، پرتاب امید، نانوتکنولوژی، پیشرفت‌های پزشکی ایران بر شکوفا شدن هویت ملی مؤثر بوده‌اند). سران حکومتی خوش چهره و نیک آوازه در سطح جهانی و سیاست خارجی، استفاده از متخصصان در امور، ایجاد شبکه‌های تلویزیونی با افکار و اندیشه‌های باز و نه تنها مذهبی و تبلیغی، تسهیل سفرهای خارجی و امکان ارتباط با دیگران، بها دادن به تنوعات فکری و درخواستی جوانان، استفاده از قدرت رسانه‌ها.

در نهایت پیشنهاد می‌شود که؛ با تأکید بر تفکر انتقادی بحران هویت را مدیریت کنیم و کسب آگاهی کنیم که چه مواردی منجر به شکل‌گیری و تداوم بحران هویت ملی جوانان ایرانی می‌شود؟ سپس برای رفع آنها به صورت بلندمدت و ریشه‌ای برنامه‌ریزی تخصصی داشته باشیم و نیمه‌ی پرلیوان (مجموعه‌ای از افتخارات و دستاوردهای ملی مخصوصاً توسط جوانان که داریم) را با قدرت رسانه‌ها جهت ارتقای اعتماد به نفس جوان ایرانی به نمایش بگذاریم.



### فهرست منابع:

۱. آزادارمکی، تقی و چاوشیان، حسن، (۱۳۸۱)، بدن به مثابه رسانه هویت، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۴.
۲. احمدی، سیداحمد، (۱۳۶۹)، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، رودکی.
۳. الطائی، علی، (۱۳۸۲)، بحران هویت قومی در ایران، نشر شادگان، چاپ دوم.
۴. برک، لورای، (۱۳۸۶)، روان‌شناسی رشد، ترجمه یحیی سید محمدی، جلد دوم، تهران، نشر ارسباران.
۵. بیرو، آلن، (۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات جامعه‌شناسی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان.
۶. جنکینز، ریچارد، (۱۳۷۹)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران.
۷. جوادزاده شهشانی، افسانه، (۱۳۸۷)، روزنامه جام جم.
۸. چلبی، مسعود، (۱۳۷۸)، هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی، اموراجتماعی وزارت کشور.
۹. حاجتی، محمد باقر، (بی‌تا)، جامع الاخبار، به نقل از «اسلام و تعلیم و تربیت»، ص ۱۲۴.
۱۰. خرم دل، مصطفی، (بی‌تا)، تفسیر نور، انتشارات دانشگاه سنندج، چاپ اول.
۱۱. رزازی فر، افسر، (۱۳۷۹)، الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵.
۱۲. رفعت جاه، مریم و ساروخانی، باقر، (۱۳۸۵)، بازتعریف هویت اجتماعی زنان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، ش ۲.
۱۳. روزنهان، دیوید و سلیگمن، مارتین، (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی روانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، جلد دوم، تهران، نشر ارسباران.
۱۴. شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۰)، جوان و بحران هویت، تهران، نشر سروش.
۱۵. شکر بیگی، عالیه، (۱۳۸۵)، جهانی شدن ملیت و هویت قومی در قوم آذری، پایان نامه، نگارش ایرج ساعی ارسی، تهران.
۱۶. شیخ الاسلامی، جواد، (۱۳۷۷)، قتل ابابک، نشر تهران.
۱۷. فراستخواه، مقصود، (۱۳۷۱)، تأملی در پارادوکس‌های هویت و اقتباس، ایران فردا، ش ۵.
۱۸. فی، برایان، (۱۳۸۴)، فلسفه امروزمین علوم اجتماعی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، نشر طرح نو.

۱۹. قائمی، علی، (۱۳۷۶)، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، تهران.
۲۰. فلسفی، محمدتقی، (۱۳۸۳)، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ چهارم، ج ۲.
۲۱. کاتم، ریچارد، (۱۳۷۹)، ناسیونالیسم در ایران، تهران، امیرکبیر.
۲۲. گولد، جولوس و کولب، ویلیام، (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ویراستاری محمدجواد زاهدی، تهران، انتشارات مازیار.
۲۳. گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
۲۴. گیرنا، مونتسرات، (۱۳۸۰)، مکاتب ناسیونالیسم، تهران.
۲۵. معیدفر، سعید، (۱۳۸۵)، بررسی مسایل ایران، تهران، نشر امیرکبیر.
۲۶. محمدی، محمدرضا؛ مقاله‌ی معرفت، شماره ۳۸، ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۷. هابرماس، گیدنز، (۱۳۸۰)، جهانی شدن و آینده دموکراسی-منظومه پسا ملی، ترجمه پولادی، تهران، نشر مرکز.
۲۸. هاریس، (۱۳۷۹)، مشکلات روحی جوانان، تهران.
۲۹. یوسفی، نریمان، (۱۳۸۳)، شکاف بین نسل‌ها، تهران، نشر جهاددانشگاهی.
۳۰. روان‌شناسی تربیتی، دوره کاردانی تربیت معلم.
۳۱. گفتار فلسفی جوان، ج ۱.
۳۲. گفتگوی آفتاب با دکتر صفابخش، از محققان مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، پنجشنبه ۱۵ تیر ۱۳۸۵ ساعت ۰۹:۲۳.
۳۳. گفتگوی دکتر سیدضیاء هاشمی، جامعه‌شناس، با خبرنگار اجتماعی مهر، تهران، ۱۱:۰۸، ۱۳۸۵/۰۲/۰۶.
۳۴. سایت خبرگزاری مهر و گفتگوی آن با رحیم عبادی (رییس سابق سازمان ملی جوانان).
۳۵. مقاله آریاییسم فاشیسم پان فارسیسم، سایت [www.azsav.com](http://www.azsav.com).
۳۶. بررسی تحلیلی پان فارسیسم، سایت [www.tribun.com](http://www.tribun.com).
۳۷. روزنامه آفرینش، شنبه، نسخه شماره ۳۰۳۷، تاریخ ۲۱/۰۲/۱۳۸۷، حسن احدی، فاطمه هاتف نیا (قسمت پایانی).

۳۸. کتب احادیث، روایات و لغت مانند: میزان الحکمه، ج ۵، ص ۵۴۰ / قاضی ناصح الدین آمدی، غرر الحکم، ص ۳۴۰ / کاظم مدیر شانه‌چی، الحدیث، ج ۱، ص ۳۵۵ / مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۴۰۷ / ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۱۰ / طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۸۵ / فیومی احمد بن محمد، مصباح المنیر، ج ۱، ص ۳۶۴ / ابن فارس، مجمل اللغه، ج ۱۰۲، ص ۴۹۹ / شرتونی لبنانی، اقرب الموارد، ج ۱، صص ۵۶۶ - ۵۶۵ ذیل ماده شب/ بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۱۲۲، حدیث ۲۰.

#### فهرست منابع لاتین:

- 1-Brown, R.J. and Turner J.C (1981) **Interpersonal and intergroup behavior**, Oxford.
- 2-Bourdieu, P.(1984) **Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste**, London:Routledge.
- 3-Johnson, Allan (1997) **The Blackwell Dictionary of Sociology**, Blackwell publishers.
- 4-Brass, P (1991) **Ethnicity and Nationalism, Theory and Comparison**, Sage Publications.